

مجله مطالعات انتقادی ادبیات
فصلنامه دانشگاه گلستان
سال دوم / شماره مسلسل هشتم / زمستان ۱۳۹۴
چاپ شده در زمستان ۱۳۹۷

نقد و بررسی نقش قهرمانان در افسانه‌های جواهرالاسمار (طوطی نامه) الثغری

آسیه ذبیح‌نیا عمران^۱، علی نجفی^{۲*}

^۱دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تفت
^۲استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان همدان

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲

چکیده

جواهرالاسمار تألیف عماد بن محمد الثغری (متولد ۷۱۳ - تا ۷۱۵ ه.ق)، از افسانه‌های عامیانه‌ی غنایی- تمثیلی است که به روش هزار و یک‌شب بیان شده‌است. قالب کلی داستان شبیه چهل‌طوطی یا طوطی‌نامه است. مجموعه‌ی داستان‌های کوتاه و مرتبط و تمامشان درباره فریبکاری زنان است. جواهرالاسمار ماجرای تلاش‌های طوطی سخندان جهت منصرف کردن «ماه شکر» از دلبستگی به جوانی امیرزاده است. طوطی سخندان را «صاعد» در آغاز تجارتش خریده‌است و سودهای کلانی از جانب او نصیبش شده است. به‌این‌جهت، خاطر طوطی را خیلی می‌خواهد و در هنگام سفر از ماه‌شکر می‌خواهد که مواظب او باشد و در کارها با او مشورت کند. در جواهرالاسمار، راوی طوطی، دانای کل است که گویی از همه‌چیز و همه‌جا، خواه در گذشته خواه در آینده آگاهی دارد و با طرح داستان‌های تمثیلی و اندرزی در مدت ۵۲ شب ماه شکر را از نیتی شوم بر حذر می‌دارد. در این مقاله پس از ارائه ساختار متن، قهرمانان که در دو گروه زمینی و فرا زمینی دسته‌بندی شده‌اند، از نظر نقش و کارکرد، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. حاصل کار نشان می‌دهد تنوع قهرمانان در داستان‌های عامیانه گسترده نیست و بیشتر قهرمانان در جواهرالاسمار حیوانات هستند.

واژه‌های کلیدی: طوطی‌نامه، جواهرالاسمار، قهرمانان، کارکرد، نقش.

مقدمه

ورود حیوانات به صحنه ادبیات داستانی ایران بدین منظور بوده است که فکری سازنده و نو به ساحل امن نشر و گسترش برسد. چنانکه تمثیل‌های نصراله منشی از این دست هستند. طوطی با بسیاری از شعرای بزرگ ایران از جمله خاقانی، سنایی، مولوی، عطار، سعدی و حافظ انس گرفته است و نزد همگی به شیرین‌سخنی و شکرشکنی شهره شده است. هرچند گاهی طوطی محبوس در قفس را اشاره به مردمی که بندی قفس تن و اسیر زندان طبایع گشته، دانسته‌اند و تعبیر غیر عرفانی دیگری از وی نکرده‌اند، اما همگی بر آنند که طوطی خرد دنیایی دارد. صفاتی که به طوطی داده‌اند کاملاً متضاد است. گاهی او را نشانه‌ی خامی و نپختگی و بی‌اندیشه و تعقل سخن‌گویی دانسته‌اند و گاهی او را مآل‌اندیش و سانس و دانا. در جواهرالاسمار، سخنگویی خصیصه «شارک» است که طوطی ماده است و همان اول داستان منقار سرخ سر سبزش را به باد داده است.

«در نظام‌های اجتماعی عرفان‌زا که وحدت وجود و موجود تبلیغ می‌شود و اتفاق کلمه بدون برخورد عقاید و آراء حاکم می‌گردد، عموماً حیوانات به منظور نشر و نقل آراء وارد صحنه‌ی ادبیات می‌شوند، اما به خصوص در ادبیات ایران افسانه حیوانات بدان منظور وارد شده‌است که در درجه اول نکات اخلاقی و عرفانی را روشن کند، چنانکه در مثل همین تمثیل طوطی گرفتار در قفس را نیز مولانا جلال‌الدین رومی به خاطر الفاء فکری اخلاقی و عرفانی مورد استفاده قرار داده است.» (آل احمد، ۳۸۵: ۴۸).

مترجم و مؤلف کتاب جواهر الاسمار، بی‌شک برای آراستن حکایات از حوادث و تجربیات دوران زندگی خویش در ایران و هند نیز مایه‌ای گذاشته است و با تجربیات شخصی، افسانه‌های باستانی هند را چاشنی زده و باب روز کرده است. این کتاب گذشته از ارزش ادبی‌اش از جهت جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و فرهنگ و آداب مردم آن زمان راهنمایی‌های مفیدی کرده‌است (سپاهیگری، تجارت، طب، خواستگاری، عروسی، عزا، سفر، مهمانداری).

پیشینه پژوهش

تاکنون درباره کارکرد انواع قهرمانان در افسانه‌های جواهرالاسمار (طوطی نامه) الثغری مقاله‌ای نوشته نشده؛ اما برخی از آثار مرتبط در این زمینه عبارتند از: در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی کارکرد انواع قهرمانان در قصه بلند عامیانه جنید نامه» که توسط عباسی و همکاران در سال ۱۳۹۱ منتشر شد؛ در مقاله مذکور، نقش و کارکرد انواع قهرمانان مورد بررسی قرار گرفته است. تقوی نیز در کتاب «بررسی حکایت‌های حیوانات تا قرن دهم» به ساختار و ریخت‌شناسی داستان‌های آثاری چون کلیله و دمنه و مرزبان نامه و... پرداخته است. هم‌چنین «بالایی» در مقاله «قصه‌های عامیانه و طوطی‌نامه» و

«گرچی» در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر طوطی‌نامه با جذابیت امروزمین» مطالبی کلی راجع به طوطی‌نامه‌ها آورده‌اند. نبی‌لو نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عناصر داستانی طوطی‌نامه»، عناصر داستانی کتاب مذکور را به تفصیل، بررسی و تحلیل کرده‌اند. در سال ۱۳۹۴، ذبیح‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «ماخذ داستان‌ها و افسانه‌های جواهرالاسمار» که در پژوهش ادبی و بلاغی منتشر شد به مآخذشناسی حکایات اثر مذکور پرداخت. هم‌چنین در سال ۱۳۹۵ از همین نویسنده مقاله‌ای با عنوان «پیکرگردانی در افسانه‌های جواهرالاسمار» در نشریه فرهنگ و ادبیات عامه منتشر شد. در سال ۱۳۹۵، ذبیح‌نیا، مقاله‌ای با عنوان «شرایط عشق و صفات عاشق و معشوق در جواهرالاسمار» در نشریه ادب غنایی چاپ کردند. همان‌گونه که از عناوین مقالات پیداست تاکنون کارکرد و نقش قهرمانان در جواهرالاسمار مورد بررسی قرار نگرفت و مقاله حاضر تلاش دارد تا بدین امر مهم بپردازد.

افسانه‌های جواهرالاسمار

جواهرالاسمار (طوطی‌نامه) ترجمه کتاب «سوکه سپتاتی»، یعنی هفتاد طوطی است که در دوره ساسانیان از سانسکریت به زبان پهلوی برگردانده شده‌است. جواهرالاسمار تألیفی است متعلق به سده‌ی هشتم هجری، از عماد بن محمد الثغری، و بنا بر پژوهش آقای شمس آل احمد، اصل سه کتاب طوطی‌نامه، کليلة و دمنه و هزار و یک شب یعنی سوکه سپتاتی، پنج‌تنترا و کاتاساریت ساکارا، الگوی کار مؤلف بوده‌است. در مورد معنی جواهرالاسمار باید گفت: جواهرالاسمار یک ترکیب عربی است. جواهر جمع جوهر (معرب گوهر یا گهر) است و به معنای هر سنگ گران‌بها و دردانه. و اسمار جمع مسمر است به معنای افسانه و حکایت. وقتی سخن به جوهر تشبیه شود مراد اشاره به فصاحت آن است. مؤلف این کتاب، از این جهت اثر خویش را جواهرالاسمار خوانده‌است که در گزینش حکایت‌هایش وسواس و دقت یک جوهری را به کار برده است (آل احمد، ۱۳۸۵: ص ۵۱).

ساختار کلی افسانه‌های جواهرالاسمار

به‌طور کلی ساختار داستان‌های جواهرالاسمار به روش هزار و یک شب بیان شده است. تعداد حکایت‌ها زیاد و قهرمانان متغیر هستند و راوی در مدخل قصه خود مؤلف است. «در ساخت و پرداخت افسانه‌ها عوامل تخیلی به کار گرفته شدند چنان‌که در زندگی واقعی امکان بهره‌گیری از آنها و وقوع چنین ماجراهایی بسیار بعید و غیرممکن است. افسانه‌ها در مجموع حکمتی واقعی را بیان می‌کنند» (غفاری، ۱۳۸۱: ص ۶۰). نکته قابل توجه آن‌که شیوه بیان افسانه‌های عامیانه و مختصات انشایی آن‌ها با اندک تفاوتی همواره ساده و بی‌تکلف است (آذر، ۱۳۸۷: ص ۶۰). الگوی افسانه‌ها در سراسر جهان یکسانند. شباهت موجود در افسانه‌ها چگونگی آغاز و فرجام آنهاست؛ و دیگر اینکه قهرمان این افسانه‌ها پس از تحمل

رنج‌ها و مشقت‌ها در بیشتر موارد به مراد خود می‌رسند (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ص ۲۴۱) برخی دیگر از ویژگی‌های افسانه‌های جواهرالاسمار به شرح زیر است:

- در افسانه‌های جواهر الاسمار، با نیروها و رویدادهای طبیعی، همچون موجودات زنده برخورد می‌شود.

- به جانوران و گیاهان، ویژگی انسانی بخشیده می‌شود.

- رویدادها و پیشامدها هر چند خیالی باشند، واقعی می‌نمایند.

- رویدادهای ساده و روزمره به شکلی شگفت‌انگیز و فرازمینی در می‌آیند.

- آرزوها و خواسته‌ها بیشتر با افسون و جادو برآورده می‌شوند.

- در اغلب موارد بیان قصه‌ها با گزافه‌گویی همراه است.

افسانه‌های جواهر الاسمار را می‌توان به انواع متعددی تقسیم کرد (۱) که برخی از آن‌ها عبارتند از: افسانه‌های مناسبتی، افسانه‌های جانوری، افسانه‌های زنجیره‌ای، افسانه‌های تکرار پذیر، افسانه‌های پریان، یا روان‌شناختی، افسانه‌های جبرانی، افسانه‌های معیشتی، افسانه‌های عدالتی، افسانه‌های تربیتی، افسانه‌های رقابتی، افسانه‌های شخصیتی، افسانه‌های سحرآمیز، افسانه‌های عشقی، افسانه‌های جنگی، افسانه‌های شاهی، افسانه‌های تاریخی (۲)

از آنجایی که مقال حاضر فقط ساختار حکایت اصلی و قهرمانان آن می‌پردازد لذا از بحث درباره انواع افسانه‌های جواهر الاسمار پرهیز می‌شود.

قهرمانان افسانه‌های جواهر الاسمار

قهرمانان از عناصر اصلی داستان محسوب می‌شوند که در پیشبرد آن بسیار اهمیت دارند. قهرمانان اولیه‌ی هر فرهنگ، از هنگام تولد، در درون خود نیروهایی خارق‌العاده و خلاق دارند. ولی افسانه‌پردازان به ندرت قهرمانان بزرگ جهان را بشر فرض کرده‌اند. آن‌ها پایه را بر این مبنا نهاده‌اند که این قهرمان انسانی عادی نیست، انسانی که با عبور از افق‌های محدود کننده‌ی نوع بشر، با عطایایی بازگشته‌اند و هر انسانی که همان شجاعت و ایمان را داشته باشد، می‌تواند به آن برکات دست یابد. همچنین رسم قصه پردازان همواره بر آن بوده است که «از لحظه تولد قهرمان یا حتی پیشتر از آن از هنگام جای‌گیری او در زهدان مادر، به او نیروهای شگفتی ببخشند؛ بنابراین کل زندگی قهرمان به صورت نمایشی با شکوه از معجزات تصویر می‌شود که اوج آن منجی‌گری وی است. از اینجاست که قهرمان قصه، از پیش تعیین شده یا نوعی (TYPIC) است.» (اوتر، ۲۰۰۴: ۸۷) با این شرح، پردازنده‌ی قصه اگر بخواهد از یک شخصیت واقعی تاریخی، قهرمان بسازد برای او سیر و سلوکی می‌آفریند که متناسب با کنش او باشد. این سیر و سلوک، به صورت سفر به سرزمین عجایب به تصویر کشیده می‌شود و همه‌ی تلاش‌های خالق قصه در باورپذیرتر کردن قصه است. از طرفی دیگر، سرزمین عجیب، قهرمانان شگفتی

را هم می‌طلبید؛ بنابراین، می‌توان گفت همان قدر که داستان، قهرمان را می‌سازد، قهرمان نیز داستان را می‌سازد. (همان، ۱۹). در قصه‌های طوطی‌نامه از قهرمانان و شخصیت‌های مختلفی بهره گرفته شده که به دو ساحت (زمینی و فرا زمینی) دسته‌بندی شده‌اند. ضد قهرمانان نیز متفاوت هستند. بر این اساس قهرمانان در هیأت جانور، گیاه و پدیده‌های بی‌جان طبیعت (مانند دریا) ظاهر می‌شوند.

قهرمانان زمینی

این قهرمانان که انسان، حیوان، گیاه یا حتی شیئی هستند بنا به نقشی که در قصه دارند، یا سبب ناامیدی و عناد علیه اجتماعات انسانی هستند و یا قهرمان را در سفر یاری می‌کنند. قدیسان، سعید بازرگان، صاعد بازرگان زاده، طوطی و ضد قهرمانانی مانند پادشاهان ستمگر در این گروه جای دارند.

قهرمانان انسانی

قدیسان: گروهی از این قهرمانان، پیامبران همچون، حضرت آدم، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع)، حضرت ابراهیم (ع) هستند. آن‌ها اغلب در خواب و رؤیای قهرمان حضور می‌یابند و قهرمان را شفاعت می‌کنند و یا گره راه را به ایشان نشان می‌دهند و در بعضی موارد راوی قصه‌های پیامبران را جهت عبرت گرفتن از آن‌ها بیان کرده است.

مانند حکایت [۷۰] که طوطی برای عبرت گرفتن ماه شکر و نصیحت او، داستان بازرگان‌زاده ترمذ را بیان می‌کند که بچه‌دار نمی‌شد و خداوند مانند حضرت ابراهیم در زمان پیری به او پسری بخشید. «تا حق سبحانه و تعالی به قدرت بالغه خویش و به صدق نیت و خلوص عقیدت او، آن خواجه را در کبر سن - همچو ابراهیم خلیل (ع) - که: و بشر ناه باسحق نبیاً، پسری خوب طلعت و نیکو جبلت روزی کرد.» (الثغری، ۱۳۸۵: ۴۴۰) یا حکایت [۲۸] که داستان کشتی نوح پیامبر (ع) بیان شده است. «علما در کتاب قصص چنین آورده‌اند که چون کشتی نوح پیغامبر (ع) بر روی آب قرار گرفت و جمله‌ی اصناف حیوانات را بر حکم فرمان پادشاه بر و بحر تعالت آلاؤه، جفت جفت در آن سفینه بر نشانده بود، ...» (همان، ۱۸۴)

سعید بازرگان: سعید تاجری است مال‌دار و نیکوحال که سر پیری ازدواج می‌کند. چون اجاقش کور می‌ماند به چاره‌جویی هر دری را می‌زند. به پزشکان مراجعه می‌کند اما بی‌ثمر است. ناچار به ارشاد پیر مرشدی آنقدر راز و نیاز می‌کند تا صاحب پسری می‌شود و اسمش را صاعد می‌گذارد. «سعید بازرگان در همین افتتاح کتاب از صحنه خارج می‌شود و دیگر اسمی از وی به میان نمی‌آید» (همان، ص ۲۰).

صاعد بازرگان زاده: «صاعد بچه تاجری است که در آغاز تجارت، دری هم به تخته نخورده، اقبال به او می‌کند. روزی در بازار طوطی را می‌بیند که معادل سرمایه‌ی او می‌فروخته‌اند، صاعد به اینکه مشتی

پر را هزار دینار قیمت گذاشته‌اند، ریشخند می‌زند. اما نظر طوطی صاعد را می‌گیرد و از ترس اینکه مبادا گرفتار ارباب نادانی شود، آهسته از هنرهایش صاعد را آگاه می‌کند. زیر گوشش می‌گوید که پیشگو هم هست و از جمله می‌داند که تا سه روز دیگر سر و کله تجار بابل به طلب متاع سنبل پیدا می‌شود.» (الثغری، ۱۳۸۵: ۲۰) بدین گونه صاعد طوطی را می‌خرد و به احتکار متاع سنبل می‌پردازد و با زیرکی طوطی سه روزه ثروتمند می‌شود.

صاعد نیز در افتتاح کتاب از صحنه بیرون می‌رود. اما بر خلاف پدرش که هیچ‌گاه بر نمی‌گردد، در آخر داستان از سفر باز می‌گردد و از قضایایی که در غیابش رخ نموده آگاه می‌شود.

ماه شکر: «ماه شکر همسر صاعد دختر جوانی است که در غیبت صاعد طاقت تنهایی نمی‌آورد. به وسوسه پیرزنی مکار و دلال، خاطرخواه جوانی می‌شود. هنگام سفارش به خانه معشوق یاد سفارش شوهرش می‌افتد. برمی‌گردد تا از طوطیان اجازه بگیرد. شارک (طوطی ماده) ساده لوح و مدعی را می‌کشد. اما به طاس لغزنده چرب زبانی طوطی سخندان دُر می‌غلطد و ناچار پاک‌دامن و عفیف می‌ماند.» (همان، ۲۱) ماه شکر شب‌ها نزد طوطی می‌رود تا اجازه گرفته شب را در کنار معشوق باشد. اما طوطی با بیان افسانه‌ها و حکایت‌های افسون‌کننده‌ی خود ماه شکر را سرگرم کرده و مانع از رفتن او می‌شود و در حالی که سپیده دمیده، خواب آلوده به خانه‌ی خود باز می‌گردد.

جوان امیر زاده: شخصیتی است که پس از مسافرت صاعد بازرگان زاده، به واسطه پیرزنی دلال قصد فریب ماه شکر را دارد اما با حکایت‌های تمثیلی و اندرز گونه‌ای که طوطی برای ماه شکر بیان می‌کند، او را سرگرم نموده و مانع از رفتنش می‌شود.

پیرزن دلال: نقش واسطه‌ای بین امیرزاده و ماه‌شکر را دارد. پس از رفتن صاعد به سفر، حامل پیام‌های امیرزاده برای ماه شکر می‌باشد.

پادشاهان ستمگر: در حکایت [۷۸] داستان شداد بیان شده است. «در قصص چنین آورده‌اند که پیغامبری از پیغامبران-علیه‌السلام-شداد را دعوت فرمود، و او ملکی جابر و جایر بود. پرسید که انجام کار من بعد از اسلام چه باشد؟ آن پیغامبر گفت: رستن از آتش جحیم و و پیوستن به جنات نعیم. شداد صفت بهشت از وی پرسید. پیغامبر اوصاف فردوس و حور و قصور او را بازدید» (الثغری، ۱۳۸۵: ۴۸۲) شداد گفت اگر چنین است پس من بهتر می‌توانم که در دنیا چنین کاخی برای خود درست کنم و برای این کار کلیه‌ی گنج‌های جهان را جمع‌آوری کردند و دیوارهای زرین بنا کردند اما چون به چند مثقال طلا نیاز پیدا کردند، شداد دستور داد تا قبرهای قدیمی را کنند و زرهایی را که همراه مردگان دفن کرده بودند بیرون آورند.

قهرمانان حیوانی

گروه دیگری از قهرمانان، حیوانات هستند. در حکایت‌های طوطی‌نامه بیشتر قهرمانان از حیوانات انتخاب شده‌اند و در میان این حیوانات طوطی، غوک، شگال، آهو و شیر بیشتر استفاده شده است و حیواناتی مانند مگس، خر، شارک، خرس، روباه، بوزینه و ماهی در مراحل بعدی هستند. طوطی بیشترین نقش را در حکایت‌ها ایفا می‌کند. شخصیت محوری دارد و اکثریت داستان‌ها را در قالب تمثیل بیان می‌کند. در حکایت شب ۴۵ ص ۴۸۰، دریا نیز به عنوان شخصیت یاری‌دهنده در قالب آدمیزاد بر چهار جوان ظاهر می‌شود و درست به زبان خود آن‌ها با ایشان سخن می‌گوید. **طوطی سخندان:** «طوطی نمک‌شناس است و چرب‌زبان و دانا. و به سبب زبان در حبس گرفتار آمده. هر شامگاه وقتی ماه شکر را می‌بیند، تعجب می‌کند که او هنوز نزد معشوق نرفته است. خود را غمخوار ماه شکر معرفی می‌کند و او را به شتاب در رفتن بر می‌انگیزد. مبادا که حکایت فلان یا بهمان تکرار گردد. با این حيله است که ماه‌شکر حریص و کنجکاو می‌پرسد: - چگونه بود آن حکایت؟» (همان، ۲۱) آن وقت طوطی حکایت یا حکایت‌هایی را تا صبح برای ماه شکر بیان می‌کند. هر شب یک تا چهار حکایت را به اندازه مدت زمانی که باید بیدار بماند. و این وضع را تا پنجاه و دو شب تکرار می‌کند تا صاعد از سفر برگردد.

شارک: شارک طوطی ماده است و جفت طوطی سخندان. او هم نمک‌شناس و سخنگو است. اما او دیگر چرب‌زبان و سخندان نیست. ساده است و خشن. سخنش تند و آزارنده است و بر ماه شکر گران می‌آید. «همان، ۲۱) سرانجام در افتتاح داستان به دست ماه شکر کشته می‌شود و از داستان خارج می‌شود.

قهرمانان فرا زمینی

در طوطی‌نامه فرشتگان و حیوانات نقش یاریگر و بخشنده را دارند. هم چنین ضد قهرمانانی چون دیوان و جادوگران، شیاطین و موجوداتی مانند کفتار و بوزینگان و حیوانات اهریمنی در قصه حضور دارند.

فرشتگان

در این قصه بلند فرشتگان حضور دارند و شخصیت اصلی داستان را راهنمایی می‌کنند تا از خطرهای رهایی یابند. در حکایت [۳۴] هنگامی که حضرت موسی (ع) «خواست تا قطعه ای گوشت از اعضای خویش ببرد و به عقاب بدهد تا در هر دو امر فرمان‌برداری نموده باشد، یعنی هم دادخواه امان یابد و هم طالب مایوس نگردد، همین که کارد را بیرون کشید، عقاب و [گنجشک] را بر صورت ملایک رب

الارباب دید، گفتند: ما بدین هیأت آمده‌ایم تا به فرمان حق - سبحانه و تعالی - فتوت و مروت تو را به جهانیان نماییم و مردی و جوانمردی تو را در نظر عالمیان جلوه دهیم.» (الثغری، ۱۳۸۵: ۲۳۰) یادر حکایت [۶۰] هنگامی که دختر رأی وارد بتخانه شد و متوجه گردید شوهرش با تیغ خون‌ریز گردن خود را زده است و «خواست تا او هم بر طریق ایشان کتاره بر حلق راند و حربه در سینه نشاند که از حر هوا آوازی برآمد و ندایی از فضای سما بخواست که: - زینهار دست به کارد و خنجر مبر. حربه و شمشیر را به خون خود میالای؛ و لیکن این سرهای کشتگان را بر تن‌های ایشان بنه، تا قدرت آفریدگار و قضای پروردگار را - جلت عظمته و علت کلمته - معاینه کنی (همان. ۳۸۶).

دیوان / شیطان / جادوگر

از جمله موجودات شر در سرزمین‌های ماورایی دیوان هستند. آن‌ها اغلب چهره‌ای زشت دارند و ترسناک هستند، سبب گمراهی قهرمانان قصه می‌شوند و خود را به شکل‌های مختلف از جمله، سنگ، اژدها، نهنگ و... در می‌آورند و از شیطان حمایت می‌کنند. آن‌ها کافرند و از قدرت سحر بهره‌مند هستند. در حکایت [۴۸۸ ص ۷۹] دیوی خود را به صورت نهنگی در آورده و در برکه‌ای کمین کرده بود. این دیو هر جانوری را که می‌خواست از آن آب بخورد، طعمه‌ی خویش می‌کرد و چون روزبه (بوزینه) از این کار آگاه شده بود و مانع از آمدن جانوران به آنجا می‌شد، با دادن مقداری مروارید به او و پی‌ریزی طرح دوستی او را فریب داد تا دست از پند دادن جانوران بردارد و به علاوه پادشاه مرو را به قصاص دوستانش به آنجا بیاورد. و این نشان از خصوصیات فریبکارانه دیو و ظاهر سازی او دارد.

درباره جایگاه و صفات و کنش دیوان، در روایات ملی و حماسی ایران، از ظهور کیومرث تا زمان گشتاسب سخن رفته است و دیوان، قدیمی‌ترین دشمن ایرانیان دانسته شده‌اند که آسیب ایشان تا دیرگاه بر ایرانیان ادامه داشته است. پسر کیومرث به دست آن‌ها به قتل رسید و... آن‌ها هم چون انسان‌ها طالب حکومتند در اغلب موارد، به لحاظ علم و دانش و هنر، از آدمیان برترند؛ به فرمان جمشید خانه‌ها ساختند و خط را به طهمورث آموختند. (فردوسی، ج ۱، ۱۳۷۹: ۳۰-۳۸) آن‌ها به جادوگری منسوب بودند و آسیب زیادی به مردم ایران رساندند. «از آنجایی که در کیش ایرانیان، جادوگری منع شده بود، محقق می‌شود که دیوان به کیش ایرانیان (مزدیسنا) اعتقاد نداشتند و ظاهراً بت پرست بودند و شاید تسمیه‌ی آن‌ها به دیو از این امر برآمده باشد.» (صفا، ۱۳۸۷: ۵۷۸) اما در خصوص صفات و ویژگی‌های ظاهری دیوان که در شاهنامه آن‌ها را سیاه و درشت اندام و دارای موهای دراز و با شاخ و دم دانسته‌اند باید گفت، دلیل آن بوده که ایشان پوست حیوانات به تن می‌کردند و مردمی زورمند و تناور بودند. نیز گفته شده که دندان آن‌ها مانند دندان گراز بوده است. این عنصر

افسانه ای اولین بار در گرشاسب نامه آمده است و شاید نتیجه تشبیه و تخیل این قهرمانان بومی ساکن ایران در شجاعت به گراز باشد. (صفا، ۱۳۸۷: ۵۸۰)

شیطان موجودی است فرا زمینی که هر لحظه به صورت افرادی متفاوت ظاهر می‌شود. در حکایت [۲۹ص ۱۹۴]، طوطی و سوسه‌های شیطانی را باعث خیانت عروس به همسر خود (پسر حاکم بنارس) می‌داند و آن را تشبیه می‌کند به داستان حضرت آسیه و فرعون، «چنانکه آسیه را با فرعون دوستی از ضمیر نبود. اگر چه در صورت یک جای می‌نمودند اما در سیرت از یکدیگر هزار فرسنگ دور بودند. و از علما مروی است که چون فرعون خواستی که با او فراهم آید، شیطان خود را بر شبه آسیه نمودی و او کام خود براندی» (الثغری، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

از جمله موجوداتی که در طوطی نامه وجود دارند، جادوگران هستند. که قهرمانان قصه را جهت رسیدن به اهداف و آرزوهایشان یاری می‌کنند. مانند حکایت [۶۱] که «مرد برهنه جهت رسیدن به معشوق متصل به مردی جادوگر شد که از علم سیمیا و انواع طلسمات بهره‌مند بود و بوسیله طلسمات او به معشوق رسید.» (همان، ۳۹۴) و یا حکایت [۱۵ ص ۱۱۲] که دختر ملک جنیان بوسیله جادوی بهو جراج حاضر شد به همسری پیری محنت کشیده درآمد. «بهو جراج چون قصه حال ایشان برین جملت بشنید انگشت تحیر به دندان گزید؛ و بر آن مسکین شفقت آورد و چشمه‌ی خون از دیده‌های خود در آن چاه روان کرد و برفور خود را در آن دیگ آهنین که نمودار جحیم بود - بیش از مردن - در انداخت و آب حیوان برابر داشت. سلیم البدن و صحیح النفس بیرون آمد. دختر ملک جنیان چون این چنین سحری از رای بدید، در ساعت از تخت بار فرود آمد و در پای او غلطید و بر جای ایستاد و زبان به اخلاص او بگشاد (همان، ۱۱۷).

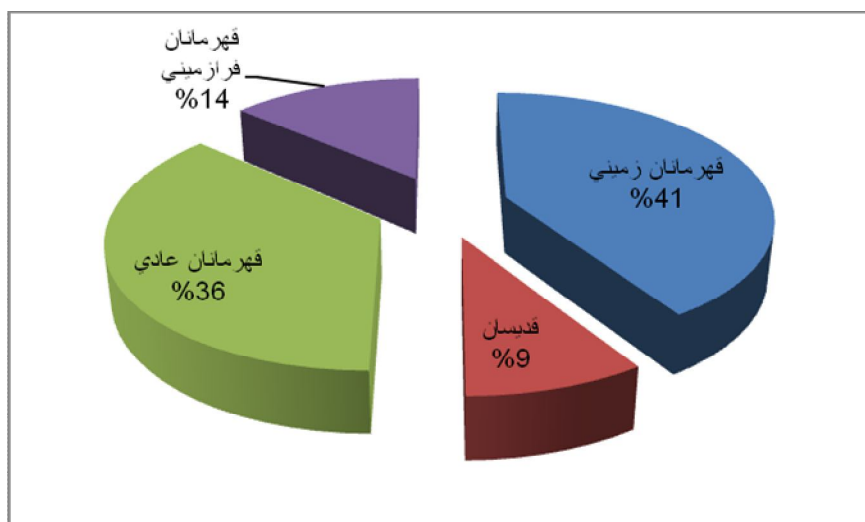
به این وسیله پیرمرد که شصت و دو سال انتظار دختر ملک جنیان را می‌کشید بوسیله ی جادوی بهو جراج، جوانی دوازده ساله شد و با او ازدواج کرد.

نتیجه گیری

داستان‌های جواهرالاسمار از نوع داستان‌های منشور غنایی و تمثیلی است که در آن‌ها اغلب خصوصیات قصه‌ها را می‌توان یافت. خصوصیتی چون تأکید بر حوادث، وجود امور خارق‌العاده، محکم نبودن روابط علت و معلولی میان رویدادها، مطلق گرایی، ختم شدن به نتایج اخلاقی، تغییر ناپذیری شخصیت‌ها و فرضی بودن زمان و مکان.

اشخاص قصه‌های بلند عامیانه‌ی فارسی با توجه به مکانی که در قصه‌ها دارند و با توجه به موقعیت آن‌ها نسبت به قهرمانان دارای نقش‌های متفاوتی هستند. گروه اول ضد قهرمانند و باعث ایجاد مانع و گرفتاری هستند. آن‌ها که از گروه دیوان و جادوگران هستند قادرند خود را به هر شکلی درآورند. گروه

دیگر، یاریگران قهرمان هستند و با توجه به مکان و موقعیتشان دارای نقش‌های متعدد هستند. در ساحت زمینی، یاریگران این گروه پیامبران و ائمه هستند که هیچ‌کدام در قصه حضور مستقیم ندارند و تنها در خواب و رؤیای قهرمان حاضر می‌شوند و او را راهنمایی می‌کنند. در ساحت فرا زمینی، فرشتگان و پریان یاریگران این گروه هستند.



نمودار ۱: کارکرد انواع قهرمانان در جواهرالاسمار

پی‌نوشت‌ها

- محمدی و قائینی چنین دسته‌بندی را برای افسانه‌های کودک و نوجوان بیان کرده‌اند که با افسانه‌های جواهر الاسمار قابل تطبیق است. (محمدی، قائینی، ۱۳۸۴: ص ۷۰).
- برادران گریم تقسیم‌بندی‌های دیگری برای افسانه‌ها نقل می‌کنند که عبارتند از: افسانه‌های کنار آتش، افسانه‌های کودک و نوجوان، افسانه‌های شب‌های زمستان، افسانه‌های پهلوانی، افسانه‌های پریان، افسانه‌های بدبختی و افسانه‌های شیطانی (گریم، ۱۳۸۲: ص ۹۸۴).

منابع

الف) کتاب‌ها

- آذر. امیر اسماعیل. (۱۳۸۷). ادبیات ایران در ادبیات جهان. چاپ اول. تهران. نشر سخن.
- اسدی طوسی. (۱۳۵۴). گرشاسب نامه، با تصحیح حبیب یغمایی، تهران: طهوری.
- الثغری، عماد بن محمد. (۱۳۸۵). جواهرالاسمار، به اهتمام شمس‌الدین آل‌احمد، چاپ دوم، تهران: فردوس.

۴. پراپ، ولادیمیر. (۱۳۸۶). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
۵. تقوی، محمد. (۱۳۷۶). بررسی حکایت‌های حیوانات، چاپ اول، تهران: روزنه.
۶. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). یادداشت‌ها و اندیشه‌ها. چاپ دوم. تهران: نشر سخن.
۷. صفا، ذبیح اله. (۱۳۸۷). حماسه سرایی در ایران، تهران: امیرکبیر.
۸. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). شاهنامه ج ۱، بر اساس چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
۹. گریم، یاکوب کارل و ویلهلم کارل. (۱۳۸۲). قصه‌ها و افسانه‌ها. چاپ دهم. تهران: بی جا
۱۰. محمدی، محمدهادی، قائینی، زهره. (۱۳۸۴). تاریخ ادبیات کودکان ایران. چاپ اول. تهران: نشر چیستا

ب: مقالات

۱. بالانی، پیوند، (۱۳۸۴). «قصه‌های عامیانه و طوطی نامه»، ادبیات داستانی، ش ۸۸، صص ۲۵ تا ۲۹.
۲. ذبیح نیا عمران، آسیه (۱۳۹۴). مآخذ داستان‌ها و افسانه‌های جواهر الاسمار، مجله پژوهش ادبی و بلاغی دانشگاه پیام نور مشهد، دوره ۳، شماره ۴، صص ۲۲-۳۴.
۳. ----- (۱۳۹۵). پیکرگردانی در افسانه‌های جواهر الاسمار، مجله فرهنگ و ادبیات عامه، دوره ۴، شماره ۸، صص ۷۲-۹۰.
۴. ----- (۱۳۹۵). شرایط عشق و صفات عاشق و معشوق در جواهر الاسمار، مجله ادب غنایی، دوره ۱۳، شماره ۲۴، صص ۱۱۷-۱۳۲.
۵. عباسی، سکینه؛ جلالی پندری، یداله. (۱۳۹۱). «نقد و بررسی کارکرد انواع قهرمانان در قصه عامیانه جنیدنامه»، مجله بوستان ادب، شیراز، ش ۳، صص ۹۳ تا ۱۱۴.
۶. گرجی، ابراهیم. (۱۳۸۴). «درآمدی بر طوطی نامه با جذابیت‌های امروزی»، کیهان فرهنگی، ش ۲۲۹، صص ۴۵ تا ۴۶.
۷. نبی لو، علیرضا؛ اکبری، منوچهر. (۱۳۸۶). «تحلیل عناصر داستانی طوطی نامه»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ش ۱۸، صص ۱۴۱ تا ۱۶۳.

**Reviewing the function of various heroes in the
folk story of Tootiname**

A. Zabihnia Emran¹, A. Najafi^{2*}

¹Associate Prof., of Persian Language and Literature, Payam-e-Noor University, Taft

²Assistant Prof., of Persian Language and Literature, University of Farhangian,
Hamedan, Iran.

Abstract

Javaher-al-asmar is written by Emadebne-Mohammad Al-saghri (713H-715H) is one of the lyric-figurative folk stories that it is expressed in one thousand and one Night's way. The overall theme of this story is like Forty Parrots or Tootinameh. The collection of these stories is short and correlated and all of them are about women's deceit. Tootiname is the adventure of rhetorical parrot's attempts to dissuade Mah-Shekar attachment to a prince and betraying her husband. This rhetorical parrot has been bought by Saed in the start of his business and he gained a massive interest from the parrot side, thus he loves parrot a lot and asked Mah-Shekar to protect it when he decided to travel and consult him in her affairs. In Tootinameh, parrot narrator is omniscient who knows everything whether it happens in the past or in the future and betrayed Mah-Shekar from a sinister intent by plotting figurative and hortative stories in 52 nights. After presenting the context structure in this article, the heroes who are classified in two groups of earthy and extraterrestrial have been surveyed in terms of the role and function. The result shows that the variation of heroes in folk stories is not widespread and most of heroes in Tootinameh are animals.

Keywords: Tootinameh, Javaher- al-asmar, Heroes, Function, Role, Folk stories.

*Corresponding author; a.najafi44@yahoo.com